

اخبار حوادث

ادعای مرد زندانی:

برایم پاپوش درست کرده‌اند

گروه حوادث:مرد جوان وقتی با آزادی از زندان متوجه شد همسر صیغه‌ای اش باردار است دست به شکایت عجیبی زد. این مرد دیروز در دادگاه گفت: گمان می‌کنم ماجرای به زندان افتاندم نقشه‌ای بود که همسر صیغه‌ای ام آن را اجرا کرد. در جلسه رسیدگی به این پرونده که دیروز در شعبه ۱۱ دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی متین راسخ و با حضور یک مستشار برگزار شد ابتدا مرد جوان به نام محسن به تشریح شکایتش پرداخت. این مرد ۳۵ساله گفت:چند سال پیش ازدواج کردم اما چون من و همسرم بچه دار نمی‌شدیم بارها به پزشک مراجعه کردیم و تحت درمان قرار گرفتیم. تا اینکه متوجه شدم من امکان بچه دار شدن ندارم. به همین خاطر همسرم از من طلاق گرفت و رفت. وی ادامه داد: دو سال قبل با زن جوانی به نام مریم آشنا شدم و او را به عقد موقت در آوردم و او را صیغه ۹۹ ساله کردم اما مدتی بود با مریم اختلاف پیدا کرده بودم. تااین که یک سال پیش وقتی از محل کارم به خانه برمی‌گشتم چند مامور به من مظنون شدند و در بازرسی از کیفم چند پوکه فشنگ به دست آوردند. وی گفت: من خودم از این ماجرا شوکه شده بودم و نمی‌دانستم پوکه‌های فشنگ چطور از کیفم سر در آورده‌اند اما مأموران مرا بازداشت کردند. ۴۰ روز در زندان بودم. در این مدت بارها گفتم احتمالا یک نفر با من دشمنی کرده و برایم پاپوش درست کرده است تا اینکه سرانجام با سپردن وثیقه آزاد شدم. من پس از بازگشت به خانه متوجه شدم همسرم باردار است. از شنیدن این خبر شوکه و به همسرم مشکوک شدم و فکر خیانت او به ذهنم رسید. آنجا بود که احساس کردم همسرم برایم پاپوش درست کرده و پوکه‌ها را در کیفم جاسازی کرده بود تا مرا به در دسر بیندازد. وی ادامه داد: با بارداری همسرم اختلاف هابین ما بیشتر شد. من از همسرم خواستم تا حقیقت را برایم بگوید اما قبول نکرد. او می‌گفت فرزندی که در شکم دارد متعلق به من است و باید بعد از به دنیا آمدن فرزندش با نام خودم برای او شناسنامه بگیرم. اما من قبول نکردم. امکان آزمایش DNA هم قبل از تولد نوزاد ممکن نبود. به همین خاطر تا به دنیا آمدن فرزندم صبر کردم. حالا به دادگاه آمده‌ام و از همسر شکایت و درخواست اثبات نسب دارم. با پایان اظهارات این مرد زن جوان که حالا دو ماه از به دنیا آمدن فرزندش گذشته به قضات دادگاه گفت: همسرم مرد بدبینی است او گمان می‌کند من با نقشه او را به زندان انداختم تا ماجرای خیانتم را پنهان کنم. اما اشتباه می‌کند. فرزندم متعلق به اوست و باید برایش شناسنامه بگیرد. من هم در خواست اثبات نسب دارم. این زن ادامه داد: در دو ماهی که از به دنیا آمدن فرزندم گذشته خودم به تنهایی و سختی از او مراقبت می‌کنم. همسرم به من همت زده و از او شاکی هستم. در پایان جلسه قضات وارد شور شد تا درباره این پرونده اظهار نظر کند.

دستگیری ضارب اصلی

مامور پلیس راه شیراز

فرمانده انتظامی استان فارس از دستگیری متهم اصلی پرونده ضارب پلیس راهور شیراز خبر داد. سرهنگ احمدعلی گودرزی فرمانده انتظامی فارس گفت: عصر پنجشنبه گذشته مأموران پلیس راه محور شیراز- کازرون با آگاهی از خراب شدن یک خودرو و درخواست سرنشینان آن برای کمک و امداد رسانی به سمت آنها می‌روند که ناگهان متوجه واژگون شدن یک دستگاه خودرو لند کروز می‌شوند. وی با اشاره به اینکه سرعت این خودرو لند کروز توسط دوربین پلیس راه ۱۳۸ کیلومتر ثبت شده است، افزود: پس از اینکه مأمور پلیس راه برای انجام وظیفه به سراغ سرنشین این خودرو می‌رود مورد ضرب و شتم وی قرار گرفته و با انتقال مأمور به بیمارستان ضارب همچنان وی را تعقیب و به فحاشی و تهدید مأمور ادامه می‌دهد. فرمانده انتظامی فارس با اشاره به انتشار ویدئو از ضرب و شتم مامور انتظامی در فضای مجازی، بیان کرد: متهم به نام «م.ک» صبح یکشنبه گذشته با تلاش ماموران و در محل اختفای وی در یکی از محلات شیراز دستگیر شد. وی ترمذ از قانون، ضرب و شتم، درگیری و وارد کردن خسارت به خودروی پلیس را از جرائم این متهم عنوان کرد و گفت: سایر افراد مرتبط با این حادثه نیز دستگیر شده‌اند. گودرزی خاطر نشان کرد: بلافاصله پس از انتشار این ویدئو فرمانده ناجا از تمام مسولان انتظامی و نظامی درخواست کرد در کمترین زمان ممکن متهم شناسایی و دستگیر شده و بدون هیچ گونه گذشتی با وی برخورد شود.

بله، حتی وقتی از خانه بیرون آمدیم پسر من علت کشتن مادرش را از من پرسید که گفتم مادر ت زن خوبی نبود. **■ به کجا فرار کردی؟** فرار نکردم، وقتی از خانه خارج شدم به برادر من زنگ زدم و گفتم که همسر مرا به قتل رساند و از او خواستم به هر کسی می‌خواهد زنگ بزند اما من می‌خواهم قبل از دستگیر شدن دخترم را که در شهرستان بود ملاقات کنم و سپس خودم را تسلیم پلیس خواهم کرد. **■ پسر ت را کجا بردی؟** تا نزدیکی خانه خاله‌اش رساندم و سپس به شهرستان رفتم. **■ به بدر فتاری های همسرت اطمینان داشتی؟** شواهد که اینطور نشان می‌داد. **■ چرا از همسرت جدا نشدی؟** من عاشق زنم بودم. **■ چطور دستگیر شدی؟** وقتی دخترم را دیدم به تهران بازگشتم و چند روز کارهای عقب افتاده در محل کارم را انجام دادم و سپس خودم را تسلیم پلیس کردم. **■ پشیمانی؟** ناراحتم و هر روز با خودم می‌گویم کاش دست به این کار نمی‌زدم. **■ به نظرت خانواده همسرت تو را می‌بخشدند؟** به خاطر نوه‌شان باید ببخشند چون فرزندانم که مادرشان را از دست داده‌اند و اگر من اعدام نشوند زندگی فرزندانم خراب می‌شود. **■ چرا اگر به می کنی؟** من عاشق زنم بودم. **■ عاشق بودی؟** زنم اولین خانمی بود که با هم آشنا شدیم و به جز او به هیچ زن دیگری نگاه نکردم. **■ آزادی از دواج می کنی؟** نه، من عاشق هستم و زنم اولین و آخرین زنی بود که در زندگی قرار دارد و دیگر با کسی زندگی نخواهم کرد، حتی در آن مدت که از همسر می‌اطلاع بودم پدرم پیشنهاد داد تا با یک دختر ۱۴ ساله ازدواج کنیم و مادر من نیز می‌گفت که مثل برادرم پس از طلاق از دواج مجدد کنم.

■ آزاد شوی از دواج می کنی؟ نه، من عاشق هستم و زنم اولین و آخرین زنی بود که در زندگی قرار دارد و دیگر با کسی زندگی نخواهم کرد، حتی در آن مدت که از همسر می‌اطلاع بودم پدرم پیشنهاد داد تا با یک دختر ۱۴ ساله ازدواج کنیم و مادر من نیز می‌گفت که مثل برادرم پس از طلاق از دواج مجدد کنم. **■ حرف آخر؟** من در این ۱۶ سال زندگی هیچ وقت به همسرم و خانواده اش بی احترامی نکردم و دست نشان را می‌بوسم و می‌خواهم که مرا ببخشند. **■ اعتیاد داری؟** به خاطر کمر دردم مواد مخدر مصرف می‌کردم و مدتی بود که روزی ۱۶ گرم مواد مخدر گل می‌کشیدم. **■ به نظرت این تفکرات در باره همسرت به خاطر تاثیرات مواد نبود؟** نمی‌دانم. بنا به این گزارش، محمد به دستور بازپرس مرادی برای تحقیقات بیشتر در اختیار ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران قرار دارد.

ام می‌آید و چند روز صبح‌ها همسر ما بچه‌ها در خانه‌ام بودند اما شب‌ها به خانه خودشان می‌رفتند. **■ همسرت خانه داشت؟** با توجه به طلاق که از من گرفته بود توانسته بود از بهزیستی پول بگیرد و یک خانه اجاره کند. **■ چرا همسرت را به قتل رساندی؟** شنیده بودم که همسرم قصد از دواج دار اما او حرفی نمی‌زد تا اینکه آخرین بار که به خانه‌ام آمده بود شنیدم که همسرم تلفنی با خواهرش و در مورد شوهرش که در سعادت آباد زندگی می‌کند و خوروی ۲۰۶ دارد صحبت می‌کند به همین خاطر عصبانی شدم و تصمیم به قتل او گرفتم. **■ همسرت را چطور به قتل رساندی؟** زنم به سمت آشپز خانه می‌رفت که از پشت او را گرفتم و دستم را دور گردنش انداختم و در حال خفه کردنش بودم که صدای پا شنیدم و دیدم پسر م شاهد ماجرا است به همین خاطر همسرم را که نیمه جان شده بود رها کردم و به سراغ پسرم رفتم و او را به سالن پذیرایی برده و یک سی دی برنامه کودک برای او گذاشتم تا سرگرم شود و بار دیگر به آشپز خانه رفته و شال زرد رنگ همسرم را برداشتم و دور گردنش انداخته و خفه اش کردم.

■ پس از قتل چه کردی؟ چادر سفید سفره عقد همسرم را روی جسدش انداخته و با ماژیک نوشتم عشق کثیف و زوری بدش عطر پاشیدم و سپس سعی کردم با شش موهایش شصت پاهایش را به هم بچسبانم اما کش مو بزرگ بود و به ناچار یک تکه پارچه پریدم و شصت پاهایش را به هم بچسبدم و در ادامه روی کاغذ یک یادداشت گذاشته و همراه پسرم از خانه خارج شدم. **■ چرا شصت پایش را بستی؟** چون می‌خواستم وقتی می‌خواهند جسد را از خانه بیرون ببرند جسد صاف باشد. **■ در نامه چه نوشتی؟** یادم نمی‌آید فکر کنم نوشته بودم که سر من را کلاه گذاشتی و نباید عشق واقعی ام را خراب می‌کردی و... **■ چادر سفید را همسرت با خودش آورده بود؟** وقتی فهمیدم می‌خواهد از دواج کند از او خواستم تا چادر سفید عقمان را به خانه‌ام بازگرداند چون نمی‌خواهم با چادر من بامرد دیگری از دواج کند. **■ پس از قتل ناراحت نبود و عذاب وجدان نداشتی؟** نه، حتی احساس غرور کرده و به خودم افتخار می‌کردم. **■ چرا؟** چون وقتی به عشق پاکم خیانت کرده بودم. **■ پسر ت متوجه قتل مادرش شده بود؟**



شود، دختر مان به راحتی دانشگاه می‌رود و از سمت بهزیستی هم پول می‌گیرد و کمک خرج زندگی‌شان می‌شود. **■ چه مدت بود از همسرت جدا شده بودی؟** ۶ ماه بود که از همسرم خبر نداشتم. **■ شکاک بودی؟** قبل از زندان یک روز برای همسرم پیامک آمد که نوشته بود صبح سر کار هستم ولی بعد از ظهر خودم را می‌رسانم، شک کرده بودم و از خودش خواستم تا ماجرای پیامک را فاش کند که ادعا کرد فرزند پیرزنی است که از او مراقبت می‌کند و بر این‌که بگویم کلید خانه را کجا گذاشته‌ام به او پیامک زدم و در جواب این پیام را ارسال کرده است که بر سر این موضوع با هم در گیر شدیم. **■ همسرت شاغل بود؟** بله، گاهی اوقات به عنوان پرستار در خانه کاری می‌کرد. **■ به دنبال همسرت رفتی؟** بله، ۶ ماه به دنبالش گشتم و به خانه خواهرش می‌رفتم تا اینکه یک روز خواهرش گفت به گوشی موبایلش زنگ بزنم شاید گوشی اش را روشن کرده باشد که فردای آن روز به موبایل همسرم زنگ زدم که پاسخ نداد اما وقتی به او پیامک زدم جواب داد و از او خواستم تا یک قرار ملاقات هماهنگ کند که فرزند نام را ببینم.

■ قرار ملاقات هماهنگ شد؟ بله، همسرم بچه‌ها را به خانه‌ام آورد اما خودش نیامد و فردای آن روز وقتی همسرم برای بردن بچه آمد هم دیگر را ملاقات کردیم. **■ از چر زمان همسرت را ملاقات کردی؟** همسرم بعد از یک هفته تماس گرفت و عنوان کرد که همراه فرزند نامن به خانه

که یک ضربه به سر زنم زدم و بعد از آن رفتم سر کار که همسرم با من تماس گرفت و ادعا کرد اگر میخواهی مرا ببینی شناسنامه‌ات را بر دار و به کلانتری بیا. **■ چرا کلانتری؟** وقتی به کلانتری رفتم پسرم نیز همراه مادرش بود که از او خواستم اگر می‌خواهد از من شکایت کند ابتدا پسرم را تحویل من بدهد که به خانه مادر ببرم بعد شکایت کند که دیدم همسرم همه مدارک فرزند نامن همراه زنم است که در یک لحظه عصبانی شدم و او را به باد کتک گرفتم، حتی ماموران کلانتری هم که قصد جدا کردن مرا داشتند نیز کتک زد و در گیر شدم. **■ زندان رفتی؟** بله، پلیس و همسرم از من شکایت کردند به همین خاطر به زندان رفتم. **■ همسرت تو را نبخشید؟** یک روز از زندان تلفنی با همسرم صحبت کردم که ادعا کرد ما و مرا ببخشید و الا نه به خاطر شکایت پلیس در زندان هستم **■ همسرت دنبال رضایت نرفت؟** زنم ادعا کرد که به دنبال کار رضایتم است اما می‌گفت باید به او و کالت طلاق بدهم. **■ قصد جدایی داشت؟** ادعا کرد که می‌خواهد به خاطر بچه‌ها از آن به زندگی مان با هم ادامه می‌دهیم و کلی داستان تعریف کرد و قول داد که بعد از جدایی باز با هم زندگی می‌کنیم که من فریب حرف هایش را خورده و و کالت طلاق دادم. **■ چه داستانی تعریف کرده بود؟** همسرم می‌گفت که با طلاق ما، پسر مان از خدمت سربازی معاف می

■ تنها شاهد قتل خواهر زاده اش در برابر ماموران قرار رفته بود گفت: پسر ۴ ساله خواهرم وقتی به خانه آمد ادعا کرد که پدرش دست به قتل مادرش زده است. وی افزود: داماد سابق مان در برابر چشمان پسرش دست به قتل خواهرم زده و سپس پسر کوچولو را تا یک قدمی خانه‌مان رسانده و سپس با به فرار گذاشته است. وقتی صحبت های خواهر زاده ام را شنیدم نمی‌توانستم باور کنم که خواهرم به قتل رسیده تا اینکه برادر دامادمان تماس گرفت و از کشته شدن خواهرم خبر داد.

■ ردیابی پلیسی کار آگاهان در ردیابی پلیسی پی بردند که محمد پس از قتل به یکی از شهرهای استان گلستان سفر کرده‌اند و در حالیکه تجسس های ادامه داشت، محمد روز ۵ شهریور ماه با حضور در اداره پلیس خود را تسلیم ماموران کرد و به قتل همسرش اعتراف کرد. **■ گفت و گو با مرد همسر کش** محمد ۳۹ ساله ادعای می‌کند که از همسرش طلاق صوری گرفته ولی وقتی متوجه می‌شود که زنش قصد از دواج با مرد دیگری دارد دست به قتل او زده است. این مرد که به گفته خودش عاشق همسرش بوده و می‌گوید پس از قتل زنم احساس غرور می‌کردم و به خودم می‌بالیدم. **■ سابقه داری؟** به خاطر درگیری با همسرم به زندان رفتم. **■ چرا در گیر شدی؟** یک روز همسرم سر سفره غذا بودیم که دخترم را تنبیه می‌کرد که از به او گفتم برای شخصیت بچه خوب نیست

■ گروه حوادث: مرد بدبین در اقدامی تلخ همسرش را در برابر چشمان فرزند ۴ ساله اش به قتل رساند. او پس از قتل عنوان می‌کند که بعد از قتل احساس غرور کرده و به کارش افتخار می‌کند. عقر به ها ساعت یک ظهر ۲۷ مرداد ماه سال جاری رانشان می‌داد که مرد جوانی در تماس با برادرش ادعا کرد که همسر سابقش را به قتل رسانده است. همین کافی بود تا برادر مرد همسر کش در تماس با ماموران کلانتری ۱۲۸ تهران نو، همراه ماموران پای در خانه برادرش بگذارد.

جسد عروس خانواده

ماموران وقتی پای در صحنه جرم گذاشتند مشاهده کردند که زن جوان با شال زرد رنگ به قتل رسیده و مرد جوان پس از قتل شصت پاهای زنش را با نخ گره به هم گره زده و چادر سفیدی روی جسد انداخته و دست نوشته‌ای روی آن گذاشته است. همین کافی بود تا تیمی از ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران همراه بازپرس مرادی از شعبه ۲ دادسرای امور جنایی برای تجسس های فنی وارد عمل شدند.

قتل پس از طلاق

کار آگاهان در کاوش های پلیسی پی بردند که زن جوان پس از جدایی با فرزندانش زندگی می‌کرد که محمد به طور اتفاقی پس از مدت هایی خبری از همسرش او را پیدا می‌کند و قرار می‌گذارند که آخر هفته ه از زن جوان فرزندانش را برای دیدن پدرشان به خانه محمد ببرد. تیم جنایی در ادامه متوجه شدند روز جنایت زن جوان همراه پسر ۴ ساله اش به خانه محمد رفته که مرد جوان در اقدامی غافلگیرانه دست به قتل زدن پسرش را نیز تا نزدیکی خانه خواهر زنش رسانده و سپس پابه فرار گذاشته است.

خبر

در دادگاه کیفری استان تهران فاش شد

پشت پرده فیلم شیطانی خانم وکیل

گروه حوادث: فیلم شیطانی یک پسر آشنا از خانم وکیل پشت پرده عجیب داشت. در این ماجرای عاشقانه خانم وکیل وقتی دید رابطه دوستانه اش با پسری که قصد از دواج با وی را داشت به هم خورده است از او شکایت کرد و مدعی شد وی او را روده و از او فیلم مستهجن تهیه کرده است. رسیدگی به این پرونده با شکایت دختر جوانی به نام سعیده که وکیل دادگستری بود در دستور کار پلیس قرار گرفت. وی با مراجعه به پلیس آگاهی گفت که از سوی یک مرد جوان به نام امین روده و مورد آزار قرار گرفته است. این دختر ادعا کرد مرد جوان از صحنه های آزار و شکنجه فیلم مستهجن تهیه کرده و او را بارها تهدید به آبرو بریزی کرده

است. با این شکایت امین ۳۳ ساله بازداشت شد اما خودش را بیگناه خواند. رسیدگی به پرونده تهیه فیلم مستهجن به دادگاه انقلاب ارسال شد و پرونده آدم ربایی در دادگاه کیفری یک استان تهران تحت رسیدگی قرار گرفت. در حالی که دادگاه انقلاب امین را از اتهام تهیه فیلم مستهجن تبرئه کرده بود دختر جوان به دادگاه کیفری رفت و از شکایتش صرف نظر کرد. وی اعلام کرد تمام اتفاقاتی که بین او و متهم پرونده رخ داده یک سوء تفاهم بوده است. با اعلام رضایت این دختر مرد جوان دیروز در شعبه هشتم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی توکلی و با حضور یک مستشار پای میز محاکمه ایستاد. در این جلسه امین که با قرار



و گفت: موکلم و شاکی با هم رابطه دوستانه داشته اند و اصلا موکلم از شکایت خانم وکیل علیه او مطلع نبوده است. بنابه این گزارش، در پایان جلسه هیات قضایی وارد نشود شد تا رای صادر کند.

با و به هم زده بودم عصبانی بود و می‌خواستم مرا به در دسر بباندازد. به همین خاطر چنین شکایتی را علیه من مطرح کرد. من بی گناه و اتهام آدم ربایی را قبول ندارم. سپس وکیل وی به دفاع پرداخت